



دانشگاه سام‌نور

تاریخ اسلام از آغاز خلافت عباسی

تا سقوط بغداد

(رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی)

دکتر احمد رضا متولی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
بخش اول: کلیات	۱
فصل اول: تأسیس حکومت عباسیان	۳
هدف کلی	۳
هدف‌های یادگیری	۳
مقدمه	۳
۱-۱ خاندان عباسی	۴
۲-۱ دعوت عباسی	۵
۱-۲-۱ دعوت در خراسان و پیروزی عباسیان	۶
۳-۱ تقسیم تاریخ حکومت عباسی	۱۱
۱-۳-۱ عصر اول عباسی (۱۳۲-۲۳۲ق.)	۱۱
۲-۳-۱ عصر دوم عباسی (۲۳۲-۳۳۴ق.)	۱۲
۳-۳-۱ عصر سوم عباسی (۳۳۴-۴۴۷ق.)	۱۳
۴-۳-۱ عصر چهارم عباسی (۴۴۷-۶۵۶ق.)	۱۳
خلاصه فصل اول	۱۴
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول	۱۵
بخش دوم. عصر اول عباسیان: دوران نیرومندی، گسترش و شکوفایی	۱۷
فصل دوم: ابوالعباس سفاح - ابوجعفر منصور	۱۹
هدف کلی	۱۹
هدف‌های یادگیری	۱۹
مقدمه	۱۹
۱-۲ ابوالعباس سفاح (۱۳۲-۱۳۶ق.)	۲۰

۲۲	۱-۱-۲ ابوسلمه خَلَّال و قتل او
۲۳	۲-۲ ابوجعفر منصور (۱۳۶-۱۵۸ق.)
۲۴	۱-۲-۲ شورش عبدالله بن علی
۲۵	۲-۲-۲ سرانجام ابومسلم خراسانی
۲۷	۳-۲-۲ پیامدهای قتل ابومسلم
۳۱	۴-۲-۲ شهادت امام جعفر صادق (ع)
۳۲	۵-۲-۲ بنای شهر بغداد
۳۳	۶-۲-۲ شورش‌های خوارج
۳۴	۷-۲-۲ تشکیل حکومت اموی در اندلس
۳۵	۸-۲-۲ ولایت‌مهدی مهدی
۳۵	خلاصه فصل دوم
۳۶	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم
۳۸	فصل سوم: ابوعبدالله مهدی - هادی عباسی - هارون الرشید
۳۸	هدف کلی
۳۸	هدف‌های یادگیری
۳۸	مقدمه
۴۰	۱-۳ ابوعبدالله مهدی (۱۵۸-۱۶۹ق.)
۴۰	۱-۱-۳ اصلاحات مهم
۴۰	۲-۱-۳ جنبش زن‌دفعه
۴۱	۳-۱-۳ شورش مقنّع
۴۳	۴-۱-۳ دیگر رخداد‌های مهم دوره مهدی
۴۳	۲-۳ هادی عباسی (۱۶۹-۱۷۰ق.)
۴۴	۱-۲-۳ قیام حسین بن علی (شهید فخر)
۴۵	۳-۳ هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ق.)
۴۶	۱-۳-۳ قیام علویان
۴۸	۲-۳-۳ شهادت امام موسی کاظم (ع)
۴۹	۳-۳-۳ سقوط برمکیان
۵۲	۴-۳-۳ جنگ‌های خارجی یا غزوات
۵۴	۵-۳-۳ شورش‌های دوره هارون
۵۶	۶-۳-۳ مسئله جانشینی
۵۶	خلاصه فصل سوم
۵۷	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۵۹	فصل چهارم: امین - مأمون - معتصم و واثق
۵۹	هدف کلی
۵۹	هدف‌های یادگیری
۵۹	مقدمه

۶۱	۴-۱-۱ امین (۱۹۳-۱۹۸ق.)
۶۲	۴-۱-۱-۱ درگیری بین امین و مأمون
۶۴	۴-۲-۱ مأمون (۱۹۸-۲۱۸ق.)
۶۴	۴-۲-۱-۱ شورش ابوالسرایا
۶۵	۴-۲-۱-۲ شورش نصر بن شیبث
۶۶	۴-۲-۳ ولایتعهدی امام رضا(ع)
۷۰	۴-۲-۴ حکومت طاهریان (۲۰۵-۲۵۹ق.)
۷۳	۴-۲-۵ فعالیت‌های علمی در دوره مأمون
۷۶	۴-۳-۱ المعتصم بالله (۲۱۸-۲۲۷ق.)
۷۷	۴-۳-۱-۱ قیام محمد بن قاسم
۷۸	۴-۳-۲ شهادت امام جواد(ع)
۷۹	۴-۳-۳ شورش زُطها
۷۹	۴-۳-۴ نفوذ ترکان در دربار
۸۱	۴-۳-۵ بنای سامرا
۸۲	۴-۳-۶ شورش بابک خرم‌دین
۸۳	۴-۳-۷ فتح عموریه
۸۴	۴-۳-۸ شورش مازیار
۸۵	۴-۳-۹ ماجرای افشین
۸۶	۴-۳-۱۰ شورش عجیف بن عنبسه و عباس بن مأمون
۸۷	۴-۴ الواثق بالله (۲۲۷-۲۳۲ق.)
۸۸	خلاصه فصل چهارم
۸۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۹۱	بخش سوم: عصر دوم عباسی
۹۳	فصل پنجم: دوران نفوذ ترکان (۲۳۲-۳۳۴ق.)
۹۳	هدف کلی
۹۳	هدف‌های یادگیری
۹۳	مقدمه
۹۴	۵-۱-۱ متوکل عباسی (۲۳۲-۲۴۷ق.)
۹۶	۵-۱-۱-۱ سخت‌گیری بر شیعیان و معتزله
۹۷	۵-۲-۱ منتصر (۲۴۷-۲۴۸ق.)
۹۸	۵-۳-۱ مستعین (۲۴۸-۲۵۲ق.)
۹۹	۵-۴-۱ معتز (۲۵۲-۲۵۵ق.)
۱۰۰	۵-۴-۱-۱ شهادت امام هادی(ع)
۱۰۲	۵-۵-۱ مهتدی (۲۵۵-۲۵۶ق.)
۱۰۲	۵-۶-۱ معتمد (۲۵۶-۲۷۹ق.)
۱۰۳	۵-۶-۱-۱ شورش زنگیان

۱۰۵	۲-۶-۵ شهادت امام حسن عسکری (ع)
۱۰۶	۳-۶-۵ حضرت مهدی (ع)
۱۰۷	۴-۶-۵ اسماعیلیه و قرامطه
۱۰۸	۷-۵ معتضد (۲۷۹-۲۸۹ ق.)
۱۰۹	۱-۷-۵ قرمطیان
۱۱۱	۸-۵ مکتفی (۲۸۹-۲۹۵ ق.)
۱۱۲	۹-۵ مقتدر (۲۹۵-۳۲۰ ق.)
۱۱۳	۱-۹-۵ بریدیان (۳۱۶-۳۳۶ ق.)
۱۱۵	۱۰-۵ قاهر (۳۲۰-۳۲۲ ق.)
۱۱۵	۱۱-۵ راضی (۳۲۲-۳۲۹ ق.)
۱۱۶	۱-۱۱-۵ پیدایش منصب امیرالامرای
۱۱۷	۱۲-۵ متقی (۳۲۹-۳۳۳ ق.)
۱۱۸	۱۳-۵ مستکفی (۳۳۳-۳۳۴ ق.)
۱۱۸	خلاصه فصل پنجم
۱۲۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم
۱۲۲	فصل ششم: حکومت‌های مستقل در دوره دوم عباسی
۱۲۲	هدف کلی
۱۲۲	هدف‌های یادگیری
۱۲۲	مقدمه
۱۲۳	۱-۶ علویان طبرستان (۲۵۰-۳۱۶ ق.)
۱۲۷	۲-۶ صفاریان (۲۵۲-۲۹۸ ق.)
۱۳۲	۳-۶ طولونیان (۲۵۴-۲۹۲ ق.)
۱۳۵	۴-۶ سامانیان (۲۶۱-۳۸۹ ق.)
۱۳۹	۵-۶ زیاریان (۳۱۶-۴۳۵ ق.)
۱۴۰	۶-۶ حمدانیان
۱۴۰	۱-۶-۶ حمدانیان موصل (۳۱۷-۳۸۰ ق.)
۱۴۲	۲-۶-۶ حمدانیان حلب (۳۳۳-۳۹۴ ق.)
۱۴۴	۷-۶ اخشیدیان (۳۲۳-۳۵۸ ق.)
۱۴۵	خلاصه فصل ششم
۱۴۷	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم
۱۵۱	بخش چهارم: عصر سوم عباسی
۱۵۳	فصل هفتم: خلافت عباسی در دوره اقتدار آل‌بویه (۳۳۴-۴۴۷ ق.)
۱۵۳	هدف کلی
۱۵۳	هدف‌های یادگیری
۱۵۳	مقدمه

۱۵۴	۱-۷ ظهور آل بویه
۱۵۷	۱-۱-۷ تصرف بغداد توسط آل بویه
۱۵۸	۲-۷ آل بویه در فارس
۱۵۸	۱-۲-۷ علی عمادالدوله (۳۲۲-۳۳۸ ق.)
۱۵۹	۲-۲-۷ عضدالدوله (۳۳۸-۳۷۲ ق.)
۱۶۲	۳-۲-۷ شرفالدوله (۳۷۲-۳۹۷ ق.)
۱۶۲	۴-۲-۷ بهاءالدوله (۳۷۹-۴۰۳ ق.)
۱۶۳	۵-۲-۷ سلطانالدوله (۴۰۳-۴۱۵ ق.)
۱۶۴	۶-۲-۷ ابوکالیجار مرزبان (۴۱۵-۴۴۰ ق.)
۱۶۵	۷-۲-۷ الملك الرحيم (۴۴۰-۴۴۷ ق.)
۱۶۶	۳-۷ آل بویه در عراق و خوزستان
۱۶۷	۴-۷ آل بویه در اصفهان و ری و همدان
۱۶۷	۱-۴-۷ حسن رکنالدوله (۳۵۵-۳۶۶ ق.)
۱۶۸	۲-۴-۷ مؤیدالدوله (۳۶۶-۳۷۳ ق.)
۱۶۸	۳-۴-۷ فخرالدوله (۳۶۶-۳۸۷ ق.)
۱۶۹	۴-۴-۷ مجدالدوله (۳۸۷-۴۲۰ ق.)
۱۷۰	۵-۷ دانش و فرهنگ و مذهب در دوره آل بویه
۱۷۴	۶-۷ شناخت مطیع (۳۳۴-۳۶۳ ق.)
۱۷۵	۷-۷ شناخت طائع (۳۶۳-۳۸۱ ق.)
۱۷۵	۸-۷ حکومت غزنویان (۳۵۱-۵۸۲ ق.)
۱۷۶	۱-۸-۷ محمود بن سبکتکین (۳۸۷-۴۲۱ ق.)
۱۷۶	۲-۸-۷ لشکرکشی‌های سلطان محمود
۱۷۷	۳-۸-۷ سلطان محمد بن محمود و سلطان مسعود بن محمود (۴۲۱-۴۳۲ ق.)
۱۷۸	۹-۷ شناخت قادر (۳۸۱-۴۲۲ ق.)
۱۷۹	۱۰-۷ شناخت قائم (۴۲۲-۴۶۷ ق.)
۱۷۹	خلاصه فصل هفتم
۱۸۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم
۱۸۳	بخش پنجم: عصر چهارم عباسی
۱۸۵	فصل هشتم: دوران نفوذ سلجوقیان (۴۴۷-۵۹۰ ق.)
۱۸۵	هدف کلی
۱۸۵	هدف‌های یادگیری
۱۸۵	مقدمه
۱۸۷	۱-۸ سلجوقیان
۱۸۷	۱-۱-۸ رکن‌الدین ابوطالب طغرل بن سلجوق (۴۲۹-۴۵۵ ق.)
۱۸۹	۲-۱-۸ آلب ارسلان (۴۵۵-۴۶۵ ق.)
۱۹۱	۳-۱-۸ جلال‌الدین ابوالفتح حسن ملکشاه (۴۶۵-۴۸۵ ق.)

۱۹۴	۴-۱-۸ رکن الدین ابوالمظفر برکیارق (۴۸۵-۴۹۸ق.)
۱۹۵	۵-۱-۸ غیاث الدین ابوشجاع محمد (۴۹۸-۵۱۱ق.)
۱۹۶	۶-۱-۸ سلطان معزالدین ابوالحارث احمد سنجر (۵۱۱-۵۵۲ق.)
۱۹۸	۷-۱-۸ شناخت مقتدی (۴۶۷-۴۸۷ق.)
۱۹۸	۸-۱-۸ شناخت مستظهر (۴۸۷-۵۱۲ق.)
۱۹۸	۲-۸ خوارزمشاهیان (۴۹۰-۶۲۸ق.)
۱۹۹	۱-۲-۸ علاءالدین آتسز (۵۲۲-۵۵۱ق.)
۱۹۹	۲-۲-۸ تاج الدین ایل ارسلان (۵۵۱-۵۶۷ق.)
۲۰۰	۳-۲-۸ جلال الدین محمود سلطان شاه (۵۶۸ق.) و علاءالدین تکش (۵۶۸-۵۹۶ق.)
۲۰۱	۴-۲-۸ علاءالدین محمد بن تکش (۵۹۶-۶۱۸ق.)
۲۰۱	۵-۲-۸ سلطان محمد و خلیفه ناصر
۲۰۱	۶-۲-۸ انقراض سلسله قراختانیان (۶۰۷ق.)
۲۰۳	۷-۲-۸ جلال الدین منکبرنی (۶۱۷-۶۲۸ق.)
۲۰۳	۸-۲-۸ شناخت مُستَرشد (۵۱۲-۵۲۹ق.)
۲۰۴	۹-۲-۸ شناخت راشد (۵۲۹-۵۳۰ق.)
۲۰۴	۱۰-۲-۸ شناخت مقتفی (۵۳۰-۵۵۵ق.)
۲۰۵	۱۱-۲-۸ شناخت مستنجد (۵۵۵-۵۶۶ق.)
۲۰۵	۱۲-۲-۸ شناخت مستضیء (۵۶۶-۵۷۵ق.)
۲۰۵	۱۳-۲-۸ شناخت ناصر (۵۷۵-۶۲۲ق.)
۲۰۶	۳-۸ ظهور چنگیزخان
۲۰۷	۱-۳-۸ هجوم مغولان به ایران
۲۱۰	۲-۳-۸ شناخت ظاهر (۶۲۲-۶۲۳ق.)
۲۱۱	۳-۳-۸ شناخت مستنصر (۶۲۳-۶۴۰ق.)
۲۱۱	۴-۳-۸ شناخت مستعصم (۶۴۰-۶۵۶ق.)
۲۱۲	۵-۳-۸ حمله هولاکو به بغداد و سقوط عباسیان
۲۱۵	خلاصه فصل هشتم
۲۱۸	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هشتم
۲۲۱	پاسخ‌نامه
۲۲۳	کتابنامه

پیشگفتار

عباسیان که نوادگان عباس عموی پیامبر(ص) بودند، با ایجاد تشکیلات منظم و سازمان‌یافته و تبلیغ دعوت به رهبری شخصی شایسته از خاندان نبوت و مخالفت با امویان در نیمه نخست قرن دوم هجری قمری (۱۳۲ق.) به قدرت رسیدند. انتساب آنان به خاندان پیامبر(ص) و سیاست نامتعادل و تبعیض‌آمیز امویان، نسبت به ایرانیان را می‌توان از علل مهم اقبال مردم به آنان دانست. گذشته از این اختلاف و نزاع دائمی قبایل عرب شمالی و جنوبی به‌ویژه در خراسان، سبب شد تا سردار عباسی، ابومسلم خراسانی از این فرصت مقتنم برای تضعیف دشمن بهره گیرد و با پیروزی بر امویان پرچم عباسیان را در مرو، مقر حکمران (اموی) خراسان برافرازد (۱۳۰ق.). پس از آن سپاهیان عباسی در چندین نبرد بر سپاهیان اموی پیروز شدند و در نهایت در نبرد سرنوشت‌ساز زاب، با شکست دادن مروان حمار، آخرین خلیفه اموی، طومار حکومت امویان را در هم پیچیدند. (۱۳۲ق.)

عباسیان بیش از ۵ قرن (۱۳۲-۶۵۶ق.) با قدرت و ضعف بر سریر خلافت تکیه زدند. آنان غیر از اعراب، مردمان دیگر نژادها از جمله ایرانیان و ترکان را در اداره امور کشور سهیم کردند. ایرانیان که در به قدرت رساندن عباسیان، نقش اصلی را برعهده داشتند، با نفوذ در دیوان‌ها و به‌ویژه برعهده گرفتن وزارت، نزدیک به یک سده نقش اساسی را در اداره امور سرزمین‌های پهناور جهان اسلام و بروز و ظهور تمدن درخشان اسلامی ایفا کردند.

پس از حضور و نفوذ ترکان در دستگاه خلافت عباسی و به حاشیه رانده شدن ایرانیان، جایگاه خلافت نیز به شدت تضعیف شد و سپاهیان ترک، خلفا را زیر نفوذ خویش درآوردند و به عزل و نصب آنان پرداختند.

اگر چه حکومت‌های امویان در اندلس، بنی‌رستم و اغییان در شمال آفریقا و طاهریان در خراسان در دوره اقتدار عباسیان ظهور کردند، اما با ضعف خلافت عباسی، حکومت‌های نیمه‌مستقل و مستقل جدیدی در شرق و غرب جهان اسلام سر برآوردند. سلسله شیعی مذهب آل‌بویه پس از تصرف شمال، مرکز و جنوب ایران، بر پایتخت خلافت عباسی تسلط یافت (۳۳۴ق.). اینان که اعتقادی به خلفای بغداد نداشتند، با سیطره کامل بر امور، زمینه تضعیف بیش از پیش دستگاه خلافت را فراهم کردند. چنانکه جلوه‌های ضعف خلفا و کاهش هیبت آنان در تمام این دوران ادامه یافت.

تسلط آل‌بویه بر بغداد تا سال ۴۴۷ق. به طول انجامید تا اینکه سلجوقیان سنی مذهب در تقابل با آل‌بویه و برای نجات خلیفه وارد بغداد شدند. رابطه سلجوقیان با خلافت از اطاعت و همکاری سلجوقیان نسبت به آنان تا دشمنی تمام‌عیار بین آنان در نوسان بود. سال‌های پایانی قدرت سلجوقیان که به مقابله با دشمنان خارجی و درگیری داخلی می‌گذشت، به خلفای عباسی فرصت داد تا به احیای قدرت از دست رفته خود بپردازند و این تلاش در زمان خلیفه ناصر (۵۷۵-۶۲۲ق.) به نتیجه رسید و با بر افتادن حکومت سلاجقه عراق در سال ۵۹۰ق. حکومت عباسی وارد دوره استقلال شد و این روند تا سقوط آنان (۶۵۶ق.) ادامه یافت.

از آنجا که این اثر بر اساس سرفصل ارائه دروس وزارت علوم برای دانشجویان رشته تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی تألیف شده‌اند، از تفصیل بسیار مطالب و نقد و تحلیل دور و دراز خودداری شد. البته امید می‌رود مورد استفاده علاقمندان به تاریخ به‌ویژه تاریخ اسلام قرار گیرد.

در اینجا مناسب می‌دانم از ویراستار علمی گرامی آقای دکتر سلطانی احمدی و ویراستار ادبی محترم سرکار خانم معصومه محمدی که با دقت و نکته‌سنجی ویرایش کتاب را به عهده داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاری کنم.

احمد رضا متولی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور

بهار ۹۶

بخش اول

کلیات

فصل اول

تأسیس حکومت عباسیان

هدف کلی

آشنایی با خاندان عباسیان و چگونگی قیام آنان

هدف‌های یادگیری

انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بتوانید:

۱. درباره نسب عباسیان توضیح دهید.
۲. دلیل انتخاب حُمیمه به عنوان محل استقرار عباسیان را بدانید.
۳. چگونگی دعوت عباسیان را شرح دهید.
۴. علل گسترش دعوت عباسیان در خراسان را بیان کنید.
۵. علل پیشرفت کار ابومسلم در خراسان را توضیح دهید.
۶. چگونگی روابط ابوسلمه خلال با عباسیان را بنویسید.
۷. دوره‌های مختلف خلافت عباسی را شرح دهید.

مقدمه

عباسیان که مدعی بودند میراث خلافت از ابوهاشم فرزند محمد بن حنفیه به محمد بن علی بن عبدالله بن عباس (م. ۱۲۵ق.) انتقال یافته است، از اوایل قرن دوم هجری در روستای حُمیمه در جنوب بحرالمیت، دعوتشان را برای دستیابی به خلافت آغاز کردند.

محمد بن علی با ایجاد تشکیلاتی منظم، اما مخفی که از جایگاهش در حُمَیمه آن را سامان می‌داد، کار دعوت را اداره و مبلغان و نقباء را به مناطق مستعد و مناسب دعوت که مهم‌ترین آن‌ها خراسان بود، اعزام می‌کرد. مبلغان عباسی که برای پنهان نگه داشتن هدف تبلیغی به کار تجارت روی آورده بودند، با تدبیر و تلاشی درخور، مردم را به شخصی از اهل بیت (ع) فرا می‌خواندند. این دعوت در خراسان به دلیل علاقه‌مندی مردم آن سرزمین به خاندان پیامبر (ع) و نارضایتی آنان از امویان به دلیل برتری دادن اعراب بر ایرانیان و همچنین تحقیر موالی و کاردانی سیاست‌مدار تیزهوش و زیرکی چون ابومسلم به سرعت پیشرفت کرد. ابومسلم از اختلافات اعراب شمالی و جنوبی (مضری و قحطانی) مستقر در خراسان بهره جست و با تشدید دشمنی بین آنان و تضعیف دو رقیب، موقعیت خود را استحکام بخشید و بدین ترتیب پیروان عباسیان در سال ۱۳۰ ق. مرو مقرر حکمران اموی خراسان را تصرف کردند و پس از آن در نبردهای دیگری سپاهیان اموی را شکست دادند و حکومت امویان را ساقط کردند (۱۳۲ ق.). عباسیان بیش از ۵ قرن (۱۳۲-۶۵۶ ق.) حکومت کردند.

۱-۱ خاندان عباسی

عباسیان از نژاد عباس بن عبدالمطلب (د. ۳۲ ق.) عموی پیامبر اکرم (ص) بودند (یعقوبی، ج ۲، ۱۳۷۱: ۳۲۹). عبدالله فرزند عباس (د. ۶۸ ق.) که علاوه بر فضل و دانش در فنون نظامی هم مهارت داشت و بسیار مورد اعتماد حضرت علی (ع) بود، در جنگ صفین فرمانده سواره‌نظام آن حضرت بود و در جریان حکمیت نیز نماینده مورد نظر امام بود (دینوری، ۱۳۶۶: ۲۱۶ و ۲۳۶).

عباسیان از آغاز خلافت بر سر جانشینی رسول خدا در سقیفه بنی ساعده و پس از آن در درگیری‌های بین امام علی (ع) و امام حسن (ع) با معاویه، داعیه رسیدن به خلافت نداشتند و حتی عباس پس از رحلت رسول گرامی (ص) اسلام به صراحت به دفاع از امام علی (ع) برای دستیابی به خلافت پرداخت. فرزندان عباس پس از آن تا زمان محمد بن علی بن عبدالله بن عباس (د. ۱۲۵ ق.) در اندیشه خلافت نبودند (امیر علی، ۱۳۶۶: ۱۴۲).

ستاره اقبال خاندان عباسی در زندگی علی بن عبدالله بن عباس (د. ۱۱۸ ق.) درخشیدن گرفت. وی دوبار در دوره خلافت ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ ق.) نه به علت مخالفت با خلافت اموی بلکه به احتمال در نتیجه اختلافات خانوادگی و شکایت برادرش از او نزد ولید، به زندان افتاد (خضری، ۱۳۷۸: ۱). وی پس از رهایی از زندان خلیفه اموی در روستای کوچکی به نام حمیمه در جنوب بحرالمیت، اقامت گزید. این روستای دورافتاده، به ظاهر اهمیت چندانی نداشت؛ اما در واقع از روی دقت انتخاب شده بود؛ زیرا در مسیر کاروان‌های حج قرار داشت و راه‌های حج در آنجا به هم می‌رسید. در آن روستای کوچک زمینه یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین جنبش‌های مخفی که در تاریخ اسلام رخ داد، فراهم شد (حتی، ۱۳۸۰: ۳۵۷-۳۵۸).

۱-۲ دعوت عباسی

عباسیان در توجیه شایستگی خویش برای خلافت، بر اساس روایتی مدعی شدند که آن را از طریق ابوهاشم عبدالله فرزند محمد بن حنفیه^۱ به ارث برده‌اند. بر اساس این روایت، پیروان شیعه کیسانیه، معتقدند که امامت پس از علی و فرزندانش، حسن و حسین (ع)، به محمد حنفیه رسیده است (نوبختی، ۱۳۵۵: ۲۶) و پس از وی به فرزندش ابوهاشم عبدالله، انتقال یافته است (صابری، ج ۲، ۱۳۹۰: ۴۳). ابوهاشم گویا برای دستیابی به خلافت، فعالیت‌هایی را در عراق انجام داد. در سال ۹۸ ق. خلیفه اموی سلیمان بن عبدالملک (۹۶-۹۹ ق.) که از قیام و دعوت او بیمناک بود، وی را به شام فراخواند و به ظاهر مقدمش را گرامی داشت و هنگام بازگشت به دستور وی مسموم شد. ابوهاشم پس از اطمینان از نزدیک بودن مرگ، حق خلافت را به محمد بن علی واگذاشت و اسرار دعوت و اسامی دعوتگران خویش را نیز در اختیارش نهاد و از این‌رو خلافت از علویان به عباسیان انتقال یافت (اخبارالدوله العباسیه، ۱۹۷۱: ۱۶۵-۱۷۲ / ابراهیم حسن، ج ۲، ۱۳۷۱: ۳۰). باید توجه داشت، حتی در صورت درست بودن این روایت، ابوهاشم تنها یکی از علویان و آن هم از فرقه کیسانیه بود و نمی‌توان رأی و عمل او را در واگذاری خلافت به عباسیان رأی و عمل همه شیعیان از جمله امامیه دانست.

۱. محمد بن علی بن ابیطالب (ع)

به هر روی بنی عباس با این نقل قول، زمینه آغاز فعالیت‌های خود را برای رسیدن به قدرت فراهم کردند و از اوایل قرن دوم هجری دعوت خود را آغاز کردند (دینوری، ۱۳۶۶: ۳۷۵). از جهت تعیین محل مبلغان، امام عباسی کوفه را که به دوستی اهل بیت شهرت داشت، برگزید؛ زیرا کوفه می‌توانست، حلقه اتصال میان هاشمیان در حمیمه و خراسان باشد و از طرفی محیط آنجا برای شورش موالی و مخالفت با امویان، مناسب بود. محمدبن علی به مبلغانش توصیه کرد برای پنهان نگه داشتن هدف تبلیغاتی خود از چشم امویان به حرفه تجارت روی آورده با تدبیر به نشر دعوت پردازند (طوقش، ۱۳۸۷: ۱۷).

علیرغم وجود این شرایط در کوفه و تلاش دعوت‌گران عباسی مانند بکیربن ماهان، موفقیت چندانی در این شهر حاصل نشد و پس از دو سال تنها ۳۰ نفر به آن پیوستند (اخبارالدوله، ۱۹۷۱: ۱۹۶ و ۲۰۶). به نظر نزدیکی و گرایش کوفیان به علویان، سبب آشکار شدن اهداف پنهان داعیان عباسی از شعار مبهم «الرضا من آل محمد» در نزد آنان می‌شد و این امر محمدبن علی را بر آن داشت تا سرزمین خراسان را که آمادگی بیشتری برای دعوت داشت، برگزیند.

۱-۲-۱ دعوت در خراسان و پیروزی عباسیان

بنا به دلایل زیر محمدبن علی خراسان را برای انتشار و گسترش دعوت برگزید:
الف) سیاست دولت اموی بر سیادت قوم عرب و تحقیر ملل دیگر نظیر ایرانیان که موالی خوانده می‌شدند، مبتنی بود، به‌ویژه در خراسان، خشونت و قساوت امویان، نسبت به مغلوب‌شدگان بیشتر بود، به‌گونه‌ای که موالی از تمام حقوق و شؤون مدنی و اجتماعی محروم بودند و حتی حق ساختن سلاح و براسب نشستن را نداشتند؛ از این‌رو خراسان به یکی از مراکز مهم مخالفت با آنان تبدیل شده بود.

ب) بیشتر ساکنان خراسان از علاقه‌مندان خاندان پیامبر اکرم (ص) و متمایل به عقاید شیعیان بودند و از این‌رو قیام زیدبن علی (د. ۱۲۲ق.) و یحیی‌بن زید (د. ۱۲۵ق.) از حمایت موالی و ایرانیان برخوردار شد و به همین سبب عباسیان می‌توانستند از گرایش‌های شیعی و نیروی جنبش‌های مذکور بهره گیرند.

تأسیس حکومت عباسیان ۷

ج) عباسیان برای عمومی کردن دعوت و پیشبرد آن به افراد بانفوذ و مدبر و قدرتمند ایرانی نیاز داشتند که بیشتر آنان در خراسان بودند، به همین دلیل، محمدبن علی، خراسان را، سرزمین مردان نیرومند تعبیر کرده بود (اخبارالدوله العباسیه، ۱۹۷۱: ۳۳۱).

د) خراسانیان آگاهی چندانی از دسته‌بندی داخلی بنی‌هاشم و علویان نداشتند و از این رو عباسیان به آسانی می‌توانستند منویات خود را در رهبری و مصداق آن پنهان کنند.

تردید نیست که ایرانیان، خاصه اهل خراسان، بیش از دیگران، دعوت عباسی را پذیرفتند و دعوت آنان با خواسته‌های ایرانیان، هماهنگی و مطابقت داشته است؛ زیرا پیروزی آنان اهداف جامعه رنجیده و تحقیرشده ایرانی را برآورده می‌ساخت (خضری، ۱۳۷۸: ۴). با این زمینه‌های مناسب، دعوتگران عباسی با تلاش و مهارت بسیار و با شعار مبهم «الرضا من آل محمد» در خراسان به فعالیت پرداختند (ابن‌اثیر، ج ۴، ۱۳۸۵: ۳۱). دعوتگران عباسی، کار دعوت را در لباس بازرگانان، از شهر مرو که مرکز خراسان بود، آغاز کردند (همان: ۱۸۲) و سپس در جرجان و دیگر شهرهای خراسان با تلاش و پشتکار بسیار، مردم را به پیروی از آل محمد (ص) فرا خواندند (طبری، ج ۴، بی‌تا: ۶۶).

کارگزاران اموی با اطلاع از دعوت، داعیان را تعقیب کرده، برخی از آنان از جمله عکرمه سراج و حیان عطار را به قتل رساندند (دینوری، ۱۳۶۶: ۳۷۷). پس از مرگ عکرمه، خدّاش - دیگر دعوتگر عباسی - مدعی شد که داعی الدعاة خراسان است و با تندروی بسیاری به ترویج اباحیگری پرداخت، تا آنجاکه روزه و نماز و حج را از مسلمانان برداشت (طبری، ج ۴، بی‌تا: ۱۶۴) و از این رو متهم به مذهب خرم‌دینان و آیین مزدکی شد. محمدبن علی برای ممانعت از تأثیرات منفی، از خدّاش و پیروانش بیزاری جست و خدّاش به دست اسدبن عبدالله قسری حاکم خراسان دستگیر و کشته شد (ابن‌اثیر، ج ۴، ۱۳۸۵: ۲۳۵).

محمدبن علی در سال ۱۲۵ق. پس از اینکه دعوت عباسیان، گام مهمی برداشت، درگذشت و سران دعوت عباسی با فرزندش ابراهیم به امامت، بیعت کردند. ابراهیم، رهبری جنبش را ابتدا به سلیمان بن کثیر و سپس ابراهیم سلمه عرضه کرد؛ اما پس از عذرآوردن آنان ابومسلم خراسانی را به عنوان نماینده خود در خراسان برگزید (طوقش، ۱۳۸۷: ۱۸).

ابومسلم برای گسترش دعوت عباسی به مرو رفت. (۱۲۷ق). منابع دربارهٔ نسب ابومسلم که سیاست‌مداری تیزهوش و زیرک بود، اختلاف دارند (مسعودی، ج ۲، ۱۳۷۴: ۲۴۳)؛ اما نظر مشهور آن است که در اصفهان متولد و در کوفه نشو و نما یافت. وی که با خاندان بنی‌هاشم ابراز دوستی می‌کرد، به زندان افتاد و در زندان با دعوت‌گران عباسی آشنا و جزء پیروان این نهضت شد و پس آن به ابراهیم امام پیوست و نامش به عبدالرحمن و کنیه‌اش به ابومسلم تغییر یافت (دینوری، ۱۳۶۶: ۳۸۰؛ ابن‌اثیر، ج ۴، ۱۳۸۵: ۲۹۵).

گزینش ابومسلم، گام موفق و آغاز مرحله‌ای جدید از جان‌گرفتن دعوت بود؛ زیرا وی شایسته‌تر و مطمئن‌تر از یک شخص عرب می‌توانست، خراسان را که دارای نفوذ آشکار ایرانیان و همچنین ناآرامی‌های قبایلی بود، اداره کند. ابومسلم پس از رسیدن به خراسان، بی‌درنگ به بلخ رفت و در مدت کمی، اعتماد سلیمان‌بن‌کثیر را جلب کرد، سپس با دانش و زیرکی، زمام کارها را به‌دست گرفت. وی در روستاهای شرق به راه می‌افتاد و مردم را برای پیوستن به دعوت عباسی تشویق می‌کرد. ابومسلم، موالی را با وعدهٔ حاکمیت ایشان و آزادی سرزمین آنان، جذب کرد. همچنین موفق شد با سازگار نشان دادن اعتقادات اسلامی با آداب و رسوم مردم، دهقانان و کشاورزان را جذب نماید و در راه دعوت، موفقیت‌های چشمگیری به‌دست آورد (طوقش، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۰).

امری که سبب پیشرفت کار ابومسلم شد، علاوه بر شورش‌های خوارج که از حجاز و عراق آغاز شد و دامنهٔ آن، ارمنستان و آذربایجان را فراگرفت (یعقوبی، ج ۲، ۱۳۷۱: ۳۱۵-۳۱۶)، تعصب و نزاع بین قبایل عدنانی (مضری یا شمالی) و قحطانی (یمانی یا جنوبی) مقیم خراسان بود و گذشته از آن ضعف نصرین سیار، والی اموی خراسان مزید بر علت بود و سبب شد تا امویان از توجه به حوادث اصلی باز مانند (ابراهیم حسن، ج ۲، ۱۳۷۱: ۳۷).

ابومسلم پس از اطمینان به نیرومندی و گسترش دعوت، گزارشی از آن برای ابراهیم امام در حمیمه فرستاد. ابراهیم زمام امور را به‌طور مستقیم به‌دست گرفت و تاریخ آغاز قیام را تعیین کرد. انقلاب در خراسان در روز پنج‌شنبه ۲۵ رمضان ۱۲۹ق. توسط سلیمان بن‌کثیر اعلان شد. پیروان عباسی لباس و پرچم‌های سیاه را به‌عنوان شعار برگزیدند و به «سیاه‌جامگان» شهرت یافتند (ابن‌اعثم، ج ۴، ۱۹۸۶: ۳۴۸). آنان نخستین نماز را در روز عید فطر در روستای سفیدنج مرو برپا کردند و بدین ترتیب اعلام قیام

تأسیس حکومت عباسیان ۹

کردند (طبری، ج ۴، بی تا: ۳۰۷) و ظرف چند روز پیروان ابومسلم از حدود ۶۰ شهر و روستای خراسان به سفیدنج رفتند و با او بیعت کردند (ابن اثیر، ج ۴، ۱۳۸۵: ۳۰۹). ابومسلم شیوه‌ای آمیخته از سیاست و نیروی نظامی به کار گرفت که هدفش پراکنده شدن نیروهای خراسانی^۱ و واداشتن آنان به درگیری با یکدیگر بود تا علیه وی باهم متحد نشوند. ابومسلم باهوش و زیرکی به ادامه دشمنی میان والی اموی خراسان، نصر بن سیار - که رهبری مضری‌ها یا شمالی‌ها را هم برعهده داشت - و دشمنانش دامن زد و هم‌زمان با جدیع کرمانی (رهبر یمنی‌ها یا جنوبی‌ها) و پسرانش و شیبان حروری (رهبر خوارج) برای نابودی امویان همکاری کرد (ابن اعثم، ج ۴، ۱۹۸۶: ۳۳۸-۳۴۴).

درگیری میان نصر بن سیار و کرمانی بیست‌ماه ادامه داشت و دو طرف مکرر به مواضع هم حمله می‌بردند. این درگیری‌ها علاوه بر تضعیف دو رقیب، سبب استحکام موقعیت ابومسلم شد. به‌ویژه پس از قتل کرمانی با دسیسه نصر، یارانش به ابومسلم پیوستند (دینوری، ۱۳۶۶: ۳۹۷-۴۰۵).

نخستین نبرد میان سپاه‌جامگان و سپاه اموی خراسان در ۱۳ شوال سال ۱۲۹ق. با شکست امویان پایان یافت. به دنبال این شکست، کار امویان در خراسان چنان به سستی گرایید که نصر ناگزیر شد، پیروزی‌های ابومسلم را در نامه‌ای به دربار امویان گزارش دهد و درخواست کمک نماید (یعقوبی، ج ۲، ۱۳۷۱: ۳۱۷). اما خلیفه اموی، مروان دوم (۱۲۹-۱۳۲ق.) که خود درگیر شورش‌های عراق و مناطق شمال شبه جزیره بود، از یزید بن عمر بن هبیره، والی عراق خواست که با اعزام نیرو به خراسان به یاری نصر بن سیار بشتابد. ابن هبیره که از تضعیف موقعیت نصر، خوشنود بود، به بهانه کمبود نیرو و دشمنی عراقیان با خلفای اموی از یاری نصر امتناع می‌کرد (دینوری، ۱۳۶۶: ۳۹۷-۴۰۲)، اما بر اثر تهدیدهای مروان، ناگزیر سپاهی انبوه را روانه نبرد کرد که در گرگان از قحطبه بن شیب، سردار سپاه ابومسلم شکست خورد و رو به هزیمت نهاد (یعقوبی، ج ۲، ۱۳۷۱: ۳۱۸-۳۲۰).

در هفتم ربیع‌الثانی سال ۱۳۰ق. شهر مرو، مقر حکمران خراسان به دست قحطبه فتح شد. نصر بن سیار که مقاومت را بی‌فایده دید، از ابومسلم درخواست امان نمود و

۱. در خراسان غیر از عباسیان به فرماندهی ابومسلم نیروهای دیگری نیز وجود داشتند:

- نیروی حکومت اموی که والی خراسان نصر بن سیار آن را نمایندگی می‌کرد.

- نیروی یمنی و ربیعه به رهبری جدیع کرمانی

- نیروی خوارج حروریه به رهبری شیبان حروری